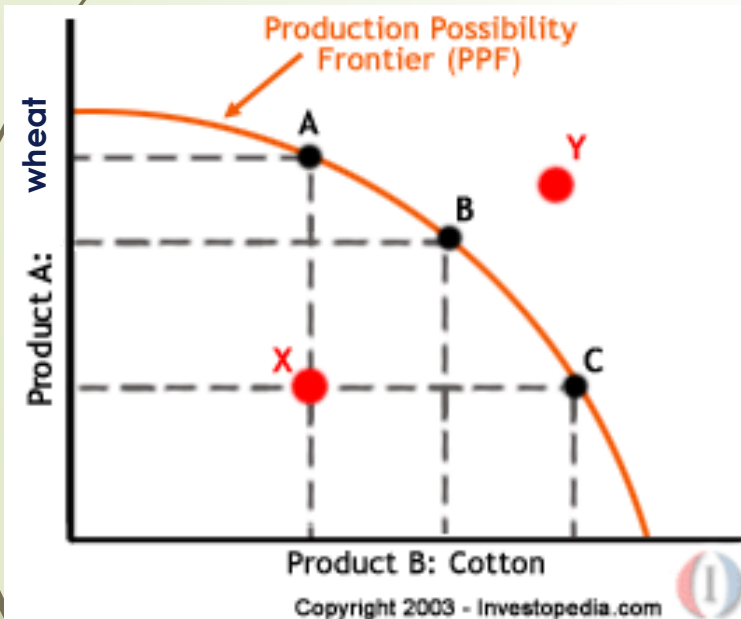


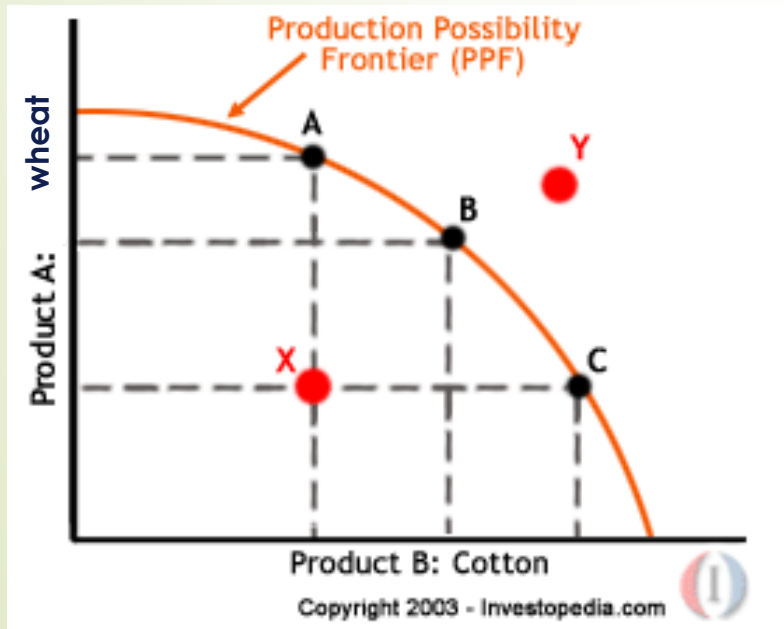
منحنی امکانات تولید

- منحنی امکانات تولید یک منحنی شناخته شده در علم اقتصاد است که یک مدل ساده از آن ارائه می دهد. این منحنی ترکیب های مختلف خروجی را که اقتصاد می تواند تولید کند مشخص می نماید. عبارتی این منحنی شامل نقاطی است که حداکثر کارایی ترکیبات عوامل تولید را نشان می دهد
- منحنی امکانات تولید (PPF) منحنی امکانات تولید نقطه ای را نشان می دهد که اقتصاد یک کشور با بهره وری حداکثری اقدام به تولید کالا و خدمات خود می کند و بنابراین منابع خود را به بهترین شکل ممکن تخصیص خواهد داد.
- باغ های سیب کافی برای تولید سیب، کارخانه های کافی برای تولید خودرو و حسابداران کافی برای ارائه خدمات مالیاتی وجود دارند. اگر اقتصاد میزان مشخص شده توسط منحنی PPF را تولید نکند، منابع به صورت ناکارآمد مدیریت می شوند و ثبات اقتصادی به هم خواهد خورد.
- منحنی امکانات تولید به ما نشان می دهد که محدودیتی برای تولید وجود دارد، پس یک اقتصاد برای به دست آوردن بهره وری باید تعیین کند که چه ترکیبی از کالا و خدمات باید تولید شوند.



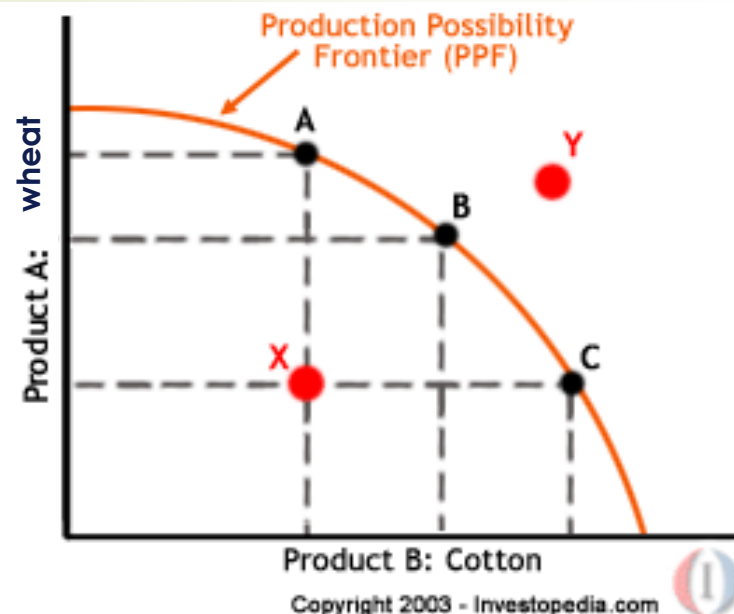
منحنی امکانات تولید

- ▶ بیایید مثالی را بررسی کنیم و نمودار زیر را در نظر بگیریم. اقتصادی را در نظر بگیرید که می‌تواند تنها دو چیز تولید کند: گندم و پنبه. طبق PPF، نقاط A، B و C که همه در منحنی PPF وجود دارند، کارآمدترین استفاده از منابع توسط اقتصاد را نشان می‌دهند. برای مثال تولید ۵ واحد گندم و ۵ واحد پنبه (نقطه B) به اندازه تولید ۳ واحد گندم و ۷ واحد پنبه مطلوب است.
- ▶ نقطه X ناکارآمدی در استفاده از منابع را نشان می‌دهد، در حالی که نقطه Y اهدافی را نشان می‌دهد که اقتصاد نمی‌تواند به سادگی با سطوح کنونی منابع به دست بیاورد.



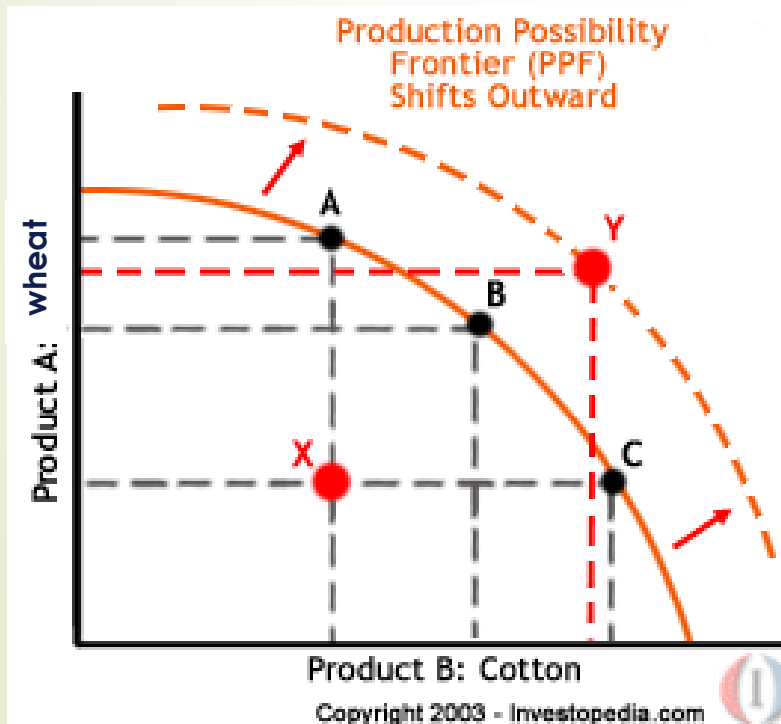
منحنی امکانات تولید

همانطور که می‌توان دید، برای اینکه این اقتصاد گندم بیشتری تولید کند باید مقداری از منابعی را که در حال حاضر برای تولید پنبه استفاده می‌شود، رها کند (نقطه A) اگر اقتصاد شروع به تولید پنبه بیشتری بکند (نقاط B و C)، باید منابع را از محل تولید گندم جابه‌جا کند و گندمی را که در نقطه A تولید می‌کند کاهش دهد. همانطور که از شکل پیداست، اقتصاد با حرکت تولید از نقطه A به نقطه B باید تولید گندم را برای افزایش تولید پنبه کاهش دهد. با این حال اگر اقتصاد از نقطه B به C حرکت کند، تولید گندم به شدت کاهش پیدا می‌کند و در همین حال تولید پنبه کم خواهد بود. یادتان باشد که A، B و C همه تخصیص درست و کارآمد منابع برای اقتصاد را نشان می‌دهد؛ کشور باید تصمیم بگیرد که چطور PPF را به دست بیاورد و کدام ترکیب را استفاده کند. اگر تقاضای بیشتری برای گندم وجود داشته باشد، هزینه افزایش تولید آن بخشی از کاهش تولید پنبه خواهد بود. بازار نقش مهمی در تعیین شکل منحنی PPF یک اقتصاد بازی می‌کند.



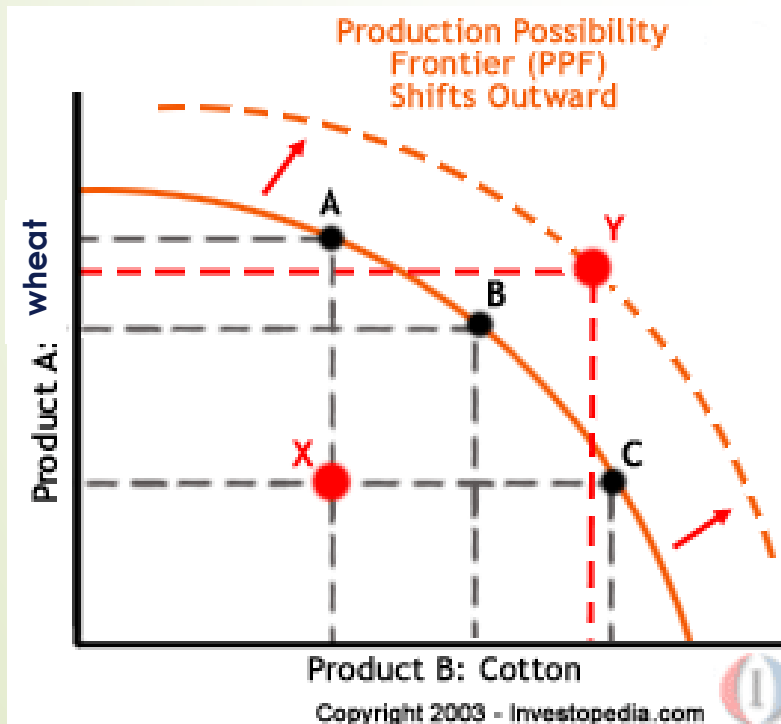
منحنی امکانات تولید

- نقطه X را در شکل در نظر بگیرید. بودن در نقطه X یعنی منابع کشور به شکل کارآمد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و کشور با وجود منابع بالقوه خود، پنبه یا گندم کافی تولید نمی‌کند.
- از سوی دیگر، نقطه Y سطح تولیدی را نشان می‌دهد که در حل حاضر اقتصاد نمی‌تواند به آن دست پیدا کند. اما اگر تغییری در تکنولوژی رخ بدهد اما سطح زمین، کار و سرمایه ثابت باقی بماند، زمان مورد نیاز برای برداشت پنبه و گندم کاهش پیدا می‌کند. تولید افزایش پیدا می‌کند و PPF هم به سمت بالا کشیده می‌شود. یک منحنی جدید در پایین آورده شده است که در آن Y سقوط می‌کند و سپس تخصیص کارآمد جدید منابع را نشان خواهد داد.



منحنی امکانات تولید

- وقتی PPF به سمت بالا حرکت کند، می‌توانیم بفهمیم که اقتصاد رشد داشته است. در عوض وقتی PPF به سمت پایین حرکت کند یعنی اقتصاد به دلیل شکست در تخصیص منابع و ناتوانی در تولید بهینه دچار نزول شده است. اقتصاد رو به نزول می‌تواند نتیجه کاهش عرضه یا نقصان تکنولوژی باشد.
- یک اقتصاد می‌تواند تنها روی کاغذ بر روی منحنی PPF تولید کند؛ اقتصادها در واقعیت دائما برای رسیدن به ظرفیت تولید بهینه مبارزه می‌کنند. چون کمبود منابع اقتصاد را وادار به انتخاب کردن گزینه‌ای به جای گزینه‌ای دیگر می‌کند، شیب اقتصاد همیشه منفی خواهد بود. اگر تولید محصول A افزایش پیدا کند، تولید محصول B باید کاهش یابد.



منحنی امکانات تولید

علت نزولی بودن شیب این منحنی:

- شیب این منحنی نرخ جانشینی فنی را نشان میدهد در حقیقت با چه نرخى لباس با غذا جانشین می شود . در حقیقت ما گفتیم که منحنی امکانات تولید از همان نقاط منحنی قرار داد تولید تشکیل شده است که در این منحنی ترکیبات عوامل تولید به صورت کارا بکار گرفته شده است.
- ما اگر منحنی قرار داد تولید را در فضای محور های افقی و عمودی لباس و غذا ببریم به منحنی امکانات تولید می رسیم که ترکیبات بهینه ی عوامل تولید را نشان می دهد تمام این نقاط منحنی امکانات تولید از برابری نرخ نهایی جانشینی فنی دو صنعت به دست آمده اند .
- خوب شیب منحنی امکانات تولید نشان می دهد که هر چه عوامل تولیدی بیشتر باشد هزینه ی نهایی تولید بیشتر و بهره وری تولید کاهش می یابد . یعنی اگر همه ی عوامل تولید ابتدا در جهت تولید صنعت غذا مورد استفاده قرار گیرند در آن صورت انتقال جزئی این عوامل به صنعت لباس سبب تولید بیشتر میشود که هر چه این روند ادامه یابد هزینه ی نهایی تولید لباس به علت استفاده ی بیشتر از عوامل تولید افزایش می یابد و به ازای کاهش بیشتری از تولید در صنعت غذا به همان مقدار اضافه تولید در صنعت لباس می رسیم.

معامله، مزیت نسبی و مزیت مطلق ویژه و نسبی:

مزیت ویژه و نسبی:

شاید یک اقتصاد بتواند همه کالاها و خدماتی را که نیاز دارد با کمک گرفتن از PPF تولید کند، اما این کار می‌تواند باعث تخصیص ناکارآمد منابع و پیشگیری از رشد شود. یک کشور از طریق تخصیص‌سازی می‌تواند بر تولید تنها چند چیزی که می‌تواند به خوبی تولید متمرکز شود و منابع خود را بین چیزهای مختلف تقسیم نکند.

دنیایی فرضی را در نظر بگیرید که تنها دو کشور در آن وجود دارد (کشور الف و کشور ب) و تنها دو محصول دارند (خودرو و پنبه). هر دو کشور می‌توانند هر دو محصول را تولید کنند.

فرض کنید کشور الف زمین‌های حاصل‌خیز کمتری دارد، اما فولاد فراوانی برای تولید خودرو در اختیار دارد. از سوی دیگر کشور ب زمین‌های حاصل‌خیز فراوان و فولاد اندکی دارد. اگر کشور الف بخواهد هر دو محصول خودرو و پنبه را تولید کند باید منابع خود را تقسیم کند، چون برای تولید پنبه نیاز به تلاش بیشتری خواهد داشت و باید تولید خودرو را قربانی تولید پنبه بکند. هزینه فرصت تولید خودرو و پنبه برای کشور الف زیاد است، چون باید سرمایه زیادی را برای تولید هر دو از دست بدهد. کشور ب هم هزینه فرصت تولید هر دو محصول را بالا خواهد یافت چون تلاشی که برای تولید خودرو نیاز دارد از تلاش برای تولید پنبه بسیار بیشتر است.

معامله، مزیت نسبی و مزیت مطلق مزیت ویژه و نسبی:

مزیت ویژه و نسبی:

در مثال ما هر دو کشور می‌توانند یکی از آن محصولات را به شکل بهینه‌تر نسبت به دیگری تولید کنند. می‌توانیم ببینیم که کشور الف در تولید خودرو بر کشور ب مزیت نسبی (Comparative Advantage) دارد و کشور ب هم در تولید پنبه بر کشور الف مزیت نسبی دارد.

حالا فرض کنید هر دو کشور الف و ب تصمیم می‌گیرند که در تولید کالاهایی که در آن مزیت نسبی دارند تخصص پیدا کنند. اگر آنان کالاهایی را که تولید کرده‌اند با کالاهایی که در آن مزیت نسبی ندارند معامله کنند، هر دو کشور می‌توانند از محصولاتی با قیمت کمتر بهره‌مند شوند.

علاوه بر این، هر کشور بهترین محصولی که می‌تواند را با کالا و خدمات دیگری که کشور دیگر با بهترین کیفیت تولید کرده است تبادل کند و بدین ترتیب کیفیت افزایش پیدا می‌کند. تخصص و معامله هم زمانی به کار می‌افتند که کشورهای مختلفی در این امر دخیل باشند.

مثلا اگر کشور ج در تولید ذرت تخصص داشته باشد، می‌تواند آن را به ازای خودرو از کشور الف و پنبه از شرکت ب معامله کند. تعیین روش تبادل اجناس تولیدشده کشورها توسط مزیت نسبی، ستون فقرات نظریه معامله بین‌المللی است. این روش تبادل از طریق معامله به عنوان تخصیص بهینه منابع در نظر گرفته می‌شود که در آن اقتصادهای ملی دیگر از مابحتاج خود محروم نخواهند بود. مزیت نسبی و تخصصی درست مثل هزینه فرصت برای روش تعامل افراد در یک اقتصاد هم کاربرد دارند.

معامله، مزیت نسبی و مزیت مطلق ویژه و نسبی:

مزیت مطلق:

گاهی یک کشور یا فرد می‌تواند از کشور دیگری بیشتر تولید کند، اگرچه کشورها همان میزان ورودی و منابع را دارند. به عنوان مثال، شاید کشور الف مزیت تکنولوژی داشته باشد که با همان مقدار منابع (زمین خوب، فولاد و نیروی کار) کشور را قادر به تولید خودروها و پنبه بیشتر نسبت به کشور ب می‌کند. کشوری که بتواند از هر دو محصول بیشتر تولید کند، مزیت مطلق (Absolute Advantage) دارد.

دسترسی بهتر به منابع با کیفیت می‌تواند به یک کشور مزیت مطلق بدهد، درست همانطور که آموزش عالی، نیروی کار ماهر و پیشرفت کلی در تکنولوژی هم می‌تواند همین مزیت را برای او به ارمغان بیاورد. با این حال برای یک کشور امکان این وجود ندارد که در همه چیزهایی که تولید می‌کند مزیت مطلق داشته باشد، پس باید همیشه بتواند از معامله سود ببرد.